



بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقيّة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، جوانان افتخارآفرین به معنای واقعی کلمه. ورزش یک ارزش است؛ هم در سطح افراد - یعنی یک فرد ورزشکار نسبت به یک فردی که ورزش نمی‌کند، یک ارزش افزوده دارد - و هم در سطح ملی، در سطح کشور. کشوری که در آن ورزش هست، ورزش عمومی هست و ورزش قهرمانی که الگوی ورزش عمومی است وجود دارد، این کشور یک ارزش افزوده‌ای نسبت به دیگران دارد؛ امروز این در دنیا جا افتاده است، این را همه میدانند، همه می‌فهمند؛ لذا می‌بینید چقدر برای ورزشهای قهرمانی و کمک به قهرمانهایشان خرج میکنند، تلاش میکنند، حتی گاهی سیاستهایشان را هم پشت سر این قرار میدهند. امروز در دنیا با اینکه شعار میدهند که ورزش سیاسی نشود، سیاست داخل ورزش نشود و از این شعارها در دنیا هست، اما حتی سیاست را هم گاهی اوقات پشت سر ورزش قرار میدهند؛ برای چه؟ برای اینکه کشورشان را به برکت ورزش و با زینت ورزش سرافراز کنند؛ ورزش این جور است. لذا شما که در این میدان - میدان ورزش - مشغول تلاش هستید، باید احساس کنید و حقیقتاً معتقد باشید که یک کار با ارزش معنوی‌ای را دارید انجام می‌دهید و اگر نیتتان را خدمت به کشور و به جمهوری اسلامی قرار بدهید، قطعاً یک حسنه‌ی الهی و معنوی هم هست، یعنی دارای ثواب است، مثل عبادت میماند و تبدیل میشود به یک عبادت. خب، در مورد اصل ورزش که قضیه این است.

اما در مورد شماها من چند نکته اینجا یادداشت کرده‌ام که به شما عرض بکنم. خب، ورزش قهرمانی مظهر اعتماد به نفس است، مظهر عزم و اراده است؛ همه‌ی قهرمانهای دنیا این جور هستند که این حضور قهرمانی آنها و توانایی قهرمانی آنها، نشانه‌ی اراده‌ی قوی آنها و عزم راسخ آنها است؛ این در مورد افرادی که از لحاظ جسمی معلول و جانباز هستند، دو برابر است یا حتی گاهی بیش از دو برابر است؛ یعنی فرض کنید که اگر چنانچه یک فردی که مشکل جسمی ندارد، بتواند در فلان رشته‌ی ورزشی قهرمان بشود و رتبه‌ی بالا بیاورد، وقتی یک فردی که دارای مشکل جسمی است، همان رتبه را می‌آورد و همان توانایی را نشان میدهد، این نشان‌دهنده‌ی عزم راسخ مضاعفی در این [فرد] است؛ بنابراین ارزش این [کار]، یا دو برابر است، یا چند برابر است. شما با وجود مشکلات جسمی‌تان توانسته‌اید در این میدان بدرخشید؛ این خیلی با ارزش است. بنابراین کسانی که مشکل جسمی دارند - جانباز و معلول - ورزش اینها و قهرمانی اینها نسبت به قهرمانی و ورزش کسانی که مشکل جسمی ندارند، دو برابر یا بیشتر ارزش دارد؛ نشان‌دهنده‌ی عزم راسخ شما است. شما به مجرد اینکه یک مشکل جسمی پیدا کردید - در دستتان، در پایتان یا در هر نقطه‌ی از بدنتان - میتوانستید خودتان را از عرصه‌ی مسابقه‌ی قهرمانی و ورزشی کنار بکشید، با عذر اینکه من مشکل جسمی دارم؛ [اما] این کار را نکردید؛ وارد میدان شدید، زحمت کشیدید، تلاش کردید، تمرین کردید، به خودتان فشار آوردید، بعد هم عزم راسخی را به خرج دادید، به قلّه‌ی این حرکت ورزشی رسیدید؛ چون ورزش قهرمانی، قلّه، و ورزشهای عمومی دامنه است؛ همه به سمت این قلّه میروند، همه به این قلّه نگاه میکنند و از او فرامیگیرند. بنابراین ارزش کار شما بیش از ارزش کار قهرمانان دیگری است که مشکل جسمانی ندارند؛ این مطلب اول.

یک نکته‌ی مهم دیگری که من در کار شماها، هم این دفعه دیدم - آن مقداری که حالا توانستم در تلویزیون ببینم - هم قبلاً دیده بودم، این است که دیدم شما بعد از پیروزی، خدا را شکر میکنید، بعضی‌هایتان سجده میکنید؛



معنایش این است که شما این پیروزی را از خدا میدانید، این نعمت را از خدا میدانید؛ این خیلی باارزش است. مشکل انسانهای طغیانگر و سرکش این است که موجودی خودشان را از خودشان میدانند، از لطف الهی و از توجه الهی غافل میشوند. شما با این حرکتتان، با توجهتان، با توسلتان، با سجدهتان، با دست بلند کردن و دعا کردن نشان دادید که دچار غفلت نیستید و میدانید که این نعمتی را که با آن سرافراز شده‌اید، خدای متعال به شما داده؛ این یک مرتبه‌ی مهمی از شکر است؛ و همین ان شاء الله موجب خواهد شد که شما موقیتهایتان بیشتر بشود، توانایی‌تان ان شاء الله بیشتر بشود. چون فرموده‌اند: لئن شکرتم لازیدنکم؛ (۲) [اگر] شکر نکنید، خدا نعمت را افزایش میدهد. این حرکت شما که نشان‌دهنده‌ی دانایی شما به نعمت الهی است، یک مرتبه‌ی مهمی از شکر است.

یک نکته‌ی دیگری که به چشم من خیلی برجسته آمد، اعتمادبه‌نفسی بود که شما نشان دادید در زمینه‌ی دفاع از اصالت‌های خودتان؛ یک نمونه‌اش عبارت بود از اینکه پرچم‌داران شما را بانوانی با چادر انجام دادند؛ خیلی باارزش است. من نمیدانم آن خانمی که چادر را به سرش کرده بود و پرچم را دستش گرفته بود و در افتتاحیه، در اختتامیه جلوی کاروان حرکت میکرد، توجه کرد که چقدر این کار باارزش است؟ چقدر این حرکت، حرکت عظیمی است؟ این یعنی شما یک‌تنه در مقابل تهاجم بی‌بندوباری و ولنگاری روزافزون دنیا ایستاده‌اید؛ معنایش این است؛ معنایش این است که شما در مقابل هجوم سیاست‌هایی که از طرف صهیونیست‌ها و کمپانی‌های مخرب اخلاق در دنیا دارد ترویج میشود در کشاندن مرد و زن به سمت فساد اخلاقی، ایستاده‌اید؛ از حجاب خودتان، از چادر خودتان، از دین خودتان، از معارف اسلامی خودتان دارید عملاً در یک میدان بین‌المللی و جهانی دفاع میکنید و هیچ ملاحظه نمیکنید؛ خیلی دل و جگر میخواهد. خیلی‌ها هستند کم می‌آورند؛ بنده دیده‌ام که در یک مواردی در این میدان‌های بین‌المللی، بعضی‌ها توانایی ندارند در مقابل هجوم توقعات بی‌پایان جبهه‌ی کفر و استکبار مقاومت بکنند، کم می‌آورند، عقب‌نشینی میکنند؛ شما ایستادید؛ این خیلی باارزش است. نماز جماعت تشکیل دادید، در نماز جمعه شرکت کردید، یعنی از دینتان، از معارفتان، از ارزش‌های ملیتان، از لباس ملیتان - چادر، لباس ملی ما است - و از دینتان و از حجاب و عفافتان دفاع کردید؛ این برای من بسیار باارزش بود. من صمیمانه و عمیقاً تشکر میکنم از همه‌ی شما، از سرپرستان این کاروان ورزشی، از خود آن خانمهایی که این رعایت را کردند. این قدرت‌نمایی فرهنگی بود؛ ببینید، این نشان‌دهنده‌ی یک اقتدار فرهنگی بود، این نشان‌دهنده‌ی استقلال فرهنگی بود، نشان‌دهنده‌ی اراده‌ی قوی بود. امروز در دنیا جنگ، جنگ اراده‌ها است؛ هر طرفی که اراده‌ی قوی‌تری، ثبات بیشتری داشته باشد، او پیروز این میدانها است؛ شما اینجا نشان دادید که توانایی دارید و اقتدار دارید.

یک نکته‌ی دیگری که امسال در کاروان ورزشی شما بود، صرفه‌جویی در هزینه‌ها بود که به من گزارش شد و این بسیار خوب بود. شنیدم که مسئولین محترم این کاروان ورزشی در هزینه‌ها صرفه‌جویی کردند؛ بعضی از کسانی را که معمولاً بی‌دلیل و بی‌جهت همراه این کاروانها میشدند با خودشان نبردند، و بقیه‌ی کارهایی که کردند؛ این هم مورد تأیید ما است، مورد تحسین ما است؛ بنده حقیقتاً این را تحسین میکنم.

یک نکته‌ی اساسی که در مورد ورزش قهرمانی معلولین و جانبازان هست، این است که نشان‌دهنده‌ی به کار انداختن ظرفیتهای پنهان موجود در وجود انسان است. یکی از مشکلات بزرگ ما امروز در کشور این است که ظرفیتهای زیادی داریم - ظرفیتهای ملی - که از اینها استفاده نمیکنیم؛ ظرفیت جغرافیایی داریم، ظرفیت فرهنگی داریم، ظرفیت نیروی انسانی داریم، ظرفیت منابع زیرزمینی داریم، ظرفیت تجارت داریم، ظرفیت رفت‌وآمدهای بین‌المللی و مرکزیت [داریم]، از همه‌جور انواع ظرفیتهای ما داریم، [اما] از خیلی‌هایش متأسفانه درست استفاده نمیشود که اگر استفاده بشود، مشکلات کنونی اقتصادی کشور هم به میزان زیادی حل خواهد شد. از جمله‌ی چیزهایی که باید مورد توجه قرار بگیرد همین است؛ انسانها یک ظرفیتی دارند؛ این ظرفیت، مغفول است؛ وقتی کسی نگاه میکند به یک برادر یا خواهر معلول یا جانباز که یک مشکل جسمی دارد، به نظرش میرسد که این خیلی از



توانایی‌های معمولی را ندارد لکن در او این ظرفیت بسیار مهم وجود داشته که این قهرمان بشود. شما قهرمان شدید، طلا گرفتید، نقره [گرفتید]، مدال گرفتید؛ این قهرمانی و این ظرفیت، در خیلی‌های دیگر هم ممکن است وجود داشته باشد که استفاده نمیشود [اما] شما استفاده کردید؛ این خیلی مهم است. ورزش شما و قهرمانی شما نشان‌دهنده‌ی امکان استفاده‌ی از ظرفیتهای پنهان وجود انسان است؛ یعنی [شما] درس شدید برای دیگران و معلم دیگران شدید. همه‌ی ما باید واقعاً یاد بگیریم؛ در سنین مختلف؛ بخصوص جوانها باید از شما یاد بگیرند؛ بدانند که در وجود آنها، در جسم آنها، در اراده و روح آنها، ظرفیتهایی وجود دارد که اینها را میتوانند به کار بیندازند و از وجود آنها استفاده بشود برای پیشرفت کشور، برای آبادانی، برای خود شخص، برای دنیا و برای آخرت. این هم یک نکته است که به نظر من خیلی مهم است؛ یعنی شما مظهر به کار انداختن ظرفیتهای بودید.

یکی از شما آقایان - که حالا من البته از نزدیک که نمی‌شناسم شماها را - شش مدال طلا گرفت، در شنا ظاهر؛ خیلی مهم است، شش مدال! (۳) شش مدال طلا ایشان گرفتند برای این ورزشی که در آن تخصص دارند؛ این خیلی باارزش است یعنی یک ظرفیت عجیبی را نشان میدهد. شاید خود این آقا تا مدتها قبل نمیدانست که یک چنین توانایی، یک چنین ظرفیتی در او هست؛ [اما] وارد شد، حرکت کرد، اقدام کرد، اراده کرد، تصمیم گرفت، به اینجا رسیده که مثلاً فرض بفرمایید میتواند شش مدال طلا بگیرد. این هم یک نکته‌ی دیگر.

نکته‌ی آخر این است که شماها در انگیزه بخشیدن به توده‌ی مردم و به عامه‌ی مردم یک تأثیر مضاعف دارید. من همیشه گفته‌ام که ورزش قهرمانی مثل یک قلعه است که باید در کشور باشد برای اینکه دیگران همه بتوانند ورزش کنند؛ چون همه باید ورزش کنند؛ هم جوانها باید ورزش کنند، هم پیرها باید ورزش کنند؛ ورزش جوانها یک جور است، ورزش پیرها - مثل ما - یک جور دیگر است؛ همه بالاخره باید ورزش کنیم. چه کسی انگیزه میدهد به انسان برای ورزش کردن؟ آن که در قلعه است؛ او به دیگران این انگیزه را میدهد. انگیزه‌ای که شما می‌دهید، دو برابر انگیزه‌ای است که دیگران می‌دهند؛ برای خاطر اینکه شما با وجود مشکل جسمانی توانستید این افتخار را به دست بیاورید.

به‌رحال خیلی از شما متشکریم به خاطر زحماتتان؛ از مسئولین کاروانتان خیلی متشکریم؛ از مسئولین ورزش، از آقای خسروی وفا (۴) و دیگران. ان‌شاءالله که همیشه موفق باشید و این روحیه‌ی معنوی و روحیه‌ی توجّه و این عزم راسخ را ان‌شاءالله همیشه حفظ کنید و روزبه‌روز وضع بهتری داشته باشید. این درخواست‌هایی هم که این برادر عزیز جانباز و آزاده - که هم جانبازند، هم آزاده هستند - مطرح کردند، آنچه مربوط به دولت است، آقای وزیر (۵) اینجا هستند و حتماً توجّه کنید یعنی دنبال کنید؛ درخواست‌هایشان درخواست‌های زیادی‌ای نیست؛ یک درخواست درست و واقعی است. اینها را تحقق ببخشید و نگذارید بماند برای بعد از خودتان. درخواستشان از ما هم که معلوم بود، گفتند چفیه و انگشتر و آن هم که در خدمتتان هستیم، ان‌شاءالله به همه‌تان، هم چفیه تقدیم میکنیم، هم انگشتر تقدیم میکنیم.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، آقای مهدی علیزاده و خانمها الناز دارابیان و عشرت کردستانی - از مدال‌آوران این رقابتها - مطالبی بیان کردند.

(۲) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۷

(۳) معظم‌له خطاب به آقای شاهین ایزدیار فرمودند: شما هستید؟ ماشاءالله.

(۴) رئیس فدراسیون جانبازان و معلولان



دفتر مقام معظم رهبری  
www.leader.ir

(۵) دکتر مسعود سلطانی فر ( وزیر ورزش و جوانان )

---